



یادداشت

وقتی شاه هم صدای انقلاب مردم را شنید!

صادق کار



ضرب المثل معروف "شاه می بخشد، وزیر نمی بخشد" را خیلی ها شنیده‌اند. حالا حکایت سلطنت طلبان دو آتشه و داغتر از کاسه آتش است که با وجود شنیدن پیام "صدای انقلاب شما را شنیدم" شاه، سعی می کنند انقلاب ۵۷ را کار چپها عنوان کنند و از آن چماقی بسازند برای کوبیدن بر سر چپ ها و مخالفان سلطنت.

می بینند که الان جنبشی انقلابی در کشور شروع شده که شخص و جریان خاصی آنرا سازمان نداده و اگر به انقلاب تبدیل شود قادر نیستند سبب و علل آنرا توضیح دهند و مثل خامنه‌ای آنرا توطئه دشمنان خارجی بنامند.

اما چون حاضر نیستند دلایل وقوع انقلاب بهمن را بپذیرند سفسطه می کنند. انقلاب ۵۷ به همان دلایلی رخ داد که انقلاب آینده ایران رخ خواهد داد

در ماه های اخیر خاصه بعد از شروع جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، تبلیغات فریبکارانه و اغراق آمیزی در باره نقش چپ ها و وضعیت مردم و کشور در دوره رضا شاه و محمد رضاشاه توسط طرفداران سلطنت شروع و با حملاتی علیه نیروهای چپ و ملی طرفدار مصدق همراه شده است

هدف از این تبلیغات و سیاه نمایی ها بیشتر فریب نسل هایی است که بعد از انقلاب بهمن ۵۷ و پس از سقوط رژیم دیکتاتوری سلطنتی متولد شده و اطلاع چندانی از آن دوران یا ندارند و یا اطلاعاتی که از طرف مدافعان دیکتاتوری حاکم و مغلوب به خورد آنها داده شده و می شود نادرست است

نارضایتی گسترده عموم مردم از وضعیت فاجعه بار کشور و از دست رفتن امید به آینده روشن زمینه مستعدی را برای تبلیغات فریبکارانه سلطنت طلبان روی اذهان عده‌ای بوجود آورده است. با این وصف اما اکثر جوانان فرهیخته کشور خوشبختانه از چنان سطح بالایی از آگاهی سیاسی و اجتماعی بر خوردار



شده‌اند و دسترسی به امکانات ارتباطی دارند که فریب تبلیغات کاذب سلطنت طلبان و رژیم اسلامی را که دو روی یک سکه هستند نخورند.

هیچ کدام از دو انقلاب ضد دیکتاتوری مشروطیت و بهمن ساخته و پرداخته هیچ کس نبود. بلکه بر آمده از وضعیت و شرایط جامعه، رشد نیروهای مولده و رژیم های دیکتاتوری بودند که مانع بر سر راه پیشرفت جامعه ایجاد کرده بودند. هر دوی انقلاب ها نیز به دلیل بازگشت ارتجاع و دیکتاتوری بود که از مسیر خود منحرف شدند. انقلاب مشروطیت توسط رضا شاه از مسیر آزادی و دموکراسی منحرف شد و دیکتاتوری جدید جای دیکتاتوری قدیم را گرفت و انقلاب ضد دیکتاتوری بهمن ۵۷ توسط خمینی و ارتجاع مذهبی مصادره شد و به استبدادی بدتر منجر شد.

این واقعیت دارد که در زمان شاه آزادیهای اجتماعی وجود داشت و این یکی از امتیازات مثبت و برتری آن نسبت به رژیم خمینی بود. اما آزادی سیاسی وجود نداشت، سانسور کامل برقرار بود، انتخابات مجلس از سال ۳۲ به بعد به استثنای یک دوره در زمان کندی به مراتب فرمایشی تر از مجالس دوران پس از ۵۷ بود. به هیچ حزبی به غیر از دو حزب دولتی ایران نوین و مردم که بعدا هر دوی آنها نیز توسط شاه منحل شد و حزب شاه فرموده رستاخیز جای آنها را گرفت، هیچ حزب دیگری اجازه فعالیت پیدا نکرد. کدام انسان عاقل را می شود سراغ گرفت که مخالف دیکتاتوری و خواهان آزادی باشد و بخواهد به رژیمی با چنین سابقه ایرجعت نماید؟ فقر و شکاف طبقاتی حتی در دوران ده ساله رونق اقتصادی پا بر جا ماند و تغییری در شرایط زندگی کارگران بوجود نیاورد. وضعیت طبقه متوسط البته بهتر شد و لی در وضعیت اقتصادی و زیستی زحمتکشان تغییر محسوسی ایجاد نشد.

نسبت قیمتها با دستمزدها به استثنای نان و سیب زمینی تقریباً مانند امروز بود. حقوق کارگر کارخانه به ندرت از ماهی ۴۰۰ تومان فراتر می رفت، حقوق یک نجار و بنای ماهر در پایان دهه چهل ۲۵ تومان و کارگر ساده ساختمانی ۱۲ تومان بود. اکثر کارگران در یک اتاق زندگی می کردند. کرایه یک اتاق در محلات جنوبی و حاشیه‌ای شهر از ۱۵۰ تومان بدون هزینه آب و برق کمتر نبود. قیمت یک کیلو گوشت گوسفند بین ۱۰ تا ۱۲ تومان یعنی به اندازه دستمزد یک روز یک کارگر ساده بود. برنج کالای لوکسی بود که در کمتر خانواده کارگری مصرف می شد.

کارگاه و تعمیرگاه ها مملو از کودکان کار بود که در ازای ۱۰ ساعت کار ۵ تا ۶ تومان مزد می گرفتند. حق اعتصاب و اتحادیه درست مثل امروز وجود نداشت و گاهی هم کارگران اعتصابی توسط ژاندارم ها به گلوله بسته می شدند. اکثر خانه ها در محلات فقیر نشین و کارگری فاقد آب لوله کشی و حمام و خیلی ها هم بدون برق بود. تلویزیون در کمتر خانواده کارگری وجود داشت. از ماشین لباسشویی و یخچال و تلفن و گازلوله کشی و آشپزخانه هم اثری نبود.

در سال ۵۳ رشد اقتصادی نصف شد و به همراه آن گرانی و تورم و بیکاری هم زیاد شد. در سال ۵۵ پس از برکناری هویدا تورم به بالای ۳۶ درصد رسید. شاه در یک سخنرانی با اشاره به افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی مانند گندم، شکر، روغن... گفت قیمت این اقلام بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته و گناه آن را به گردن خارجی ها انداخت.

قانون کار وجود داشت، حق سندیکا به رسمیت شناخته شده بود، تامین اجتماعی و بیمه وجود داشت. ولی درست مانند امروز هیچ کدام از اینها به استثنای بیمه آنها برای عده معدودی اجرا نمی شد.

همین عوامل در کنار سرکوب سیاسی و خود کامگی و دیکتاتوری و بوجود آمدن جمعیت انبوهی از زاغه ها و آونک ها در اطراف شهرها و فساد حاکم بر رژیم زمینه ساز انقلاب ۵۷ بودند. یعنی بیکاری، تورم، فقر، فساد دستگاه دولتی، دیکتاتوری فراهم کردن فضای فعالیت برای روحانیون و سخر کردن فضای فعالیت



برای نیروهای مخالف دیکتاتوری، گسترش مساجد و مراکز مذهبی و خود شاه نقش اصلی را در شکل گیری انقلاب داشتند.

شاه خودش هم بالاخره صدای انقلاب مردم را شنید به خطاهای خودش اذعان نمود و قول بازگشت به حکومت مشروطه و برقراری آزادی و انتخابات آزاد، یعنی همه آن چیزهایی که بنا به اعتراف خودش آنها را از مردم گرفته بود داد.

چند ماه قبل از انقلاب مذهبی های طرفدار خمینی از زندان آزاد شدند، آخرین گروهی که در هفته های پیش از انقلاب از زندان آزاد شد چپ ها بودند.

رژیم خمینی که مانند رژیم شاه از همان آغاز دشمنی خودش را با چپ ها و مجاهدین خلق و ملی گراهای مصدقی شروع کرده بود به محض استقرار اولیه چپ کشی و مجاهد کشی را شروع کرد.

متأسفانه بخشی از نیروی چپ که تحلیل غلطی از ماهیت و نقشه های رژیم خمینی داشت به رغم اینکه تحت فشار عوامل چماقدار رژیم و نیروهای امنیتی هم بود و می دید که رژیم با چه قساوتی سرگرم سرکوب نیروهای مدرن و آزادیخواه جامعه است برای مدت کوتاهی سیاست اتحاد و انتقاد با رژیم را در پیش گرفت و تاوان گرانی برای آن پرداخت و ضربات سختی به حیثیت و موقعیت جنبش چپ در کشور وارد کرد. رژیم پس از آنکه بر سرکوب بیشتر مخالفان خود فائق آمد به سراغ توده های ها و اکثریتی ها آمد، هزاران نفر از آنها را زندانی و صدها نفر از کادرهای اصلی شان را پس از اعمال شکنجه های وحشیانه به قتل رساند.

البته نظر به وسعت گسترده پایگاه اجتماعی خمینی و شخصیت کارزماتیک وی این دو جریان هم اگر از رژیم که آن را انقلابی می دانستند هم حمایت نمی کردند، آنقدر نیرو نداشتند تا مانع استقرار و پایداری رژیم شوند. کما اینکه مجاهدین و ملیشای بزرگ و با نظم آنها، بنی صدر، نهضت آزادی، ملی گراها و احزاب کرد هم که هر کدام به شکلی مقابل رژیم قرار گرفتند قادر به جلوگیری از استقرار رژیم ارتجاعی نشدند.

مبارزه علیه دیکتاتوری و استقرار رژیم جمهوری دموکراتیک سکولار که قبل از انقلاب مشروطه در ایران شروع شد همچنان ادامه دارد. مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای و زنده باد آزادی در سراسر کشور طنین انداز است. مرگ بر دیکتاتوری فقط علیه رژیم ولایت فقیه نیست علیه هر نوع رژیم دیکتاتوری است. دشمنی طرفداران دیکتاتوری سلطنتی با جنبش چپ مربوط به حمایت چپ ها از انقلاب نیست. از زمان رضا شاه تا رفتن شاه از کشور صدها، نفر از رهبران و فعالان جنبش چپ در زندان ها به قتل رسیدند و هزاران نفر سالهای زیادی از عمرشان را در زندان گذرانده و آثار شکنجه های دوران زندان هنوز در در تن و بدن آنان محو نشده است. تقصیر بزرگ ما چپ ها از نظر سلطنت طلبان عدالت خواهی، صد سال مبارزه علیه دیکتاتوری و حمایت خلل ناپذیر چپ ها از حقوق زحمت کشان است. ما نگفته و نمی گوئیم مرتکب خطا نشده ایم، اما تفاوت میان خطاهای ما با سلطنت طلبها از زمین تا آسمان است!

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!



تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش دوم
کار و درآمد در کشورهای در حال توسعه
جرمی سیکینگز



تضمین اشتغال یا معیشت؟ چرا هر دو نه؟

در کشورهای در حال توسعه، با درآمد کم یا متوسط در "جنوب جهانی"، بسیاری از دولت‌ها نقش کمی در کاهش رژیم‌های را که در آنها کاهش فقر به شبکه‌های (Gough) فقر ایفا می‌کنند، یا هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. گاو فر غیررسمی خویشاوندان یا جامعه بستگی دارد، و رژیم‌های ناامنی را که در آنها دولت و بازیگران اصلی جامعه در واقع کارکردی مخرب و غارتگرانه به عهده دارند - رژیم‌هایی که بیشتر از همه در بخش‌هایی از غرب و مرکز آفریقا مشاهده شده اند - "رژیم‌های رفاه غیررسمی" می‌نامد.

در کشورهای در حال توسعه، با درآمد کم یا متوسط در "جنوب جهانی"، بسیاری از دولت‌ها نقش کمی در رژیم‌هایی را که در آنها کاهش فقر (Gough) کاهش فقر ایفا می‌کنند، یا هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. گاو فر به شبکه‌های غیررسمی خویشاوندان یا جامعه بستگی دارد، و رژیم‌های ناامنی را که در آنها دولت و بازیگران اصلی جامعه در واقع کارکردی مخرب و غارتگرانه به عهده دارند - رژیم‌هایی که بیشتر از همه در بخش‌هایی از غرب و مرکز آفریقا مشاهده شده اند - "رژیم‌های رفاه غیررسمی" می‌نامد. سوای این رژیم‌ها، دولت در بسیاری دیگر از کشورهای جنوب، نقش مثبت و فعالی در مقابله با فقر ایفا کرده است، به گونه‌ای که کاربرد اصطلاح "دولت رفاه" برای آنها غیرمنطقی نیست (همچنان که اسپینگ و آندرسن و بسیاری از مؤلفان دیگر این اصطلاح را برای کشورهای شمال به کار گرفتند). سیاست‌هایی که دولت‌های مورد نظر در جنوب پیش بردند، منجر به سه نوع رژیم رفاه متفاوت شده اند: رژیم ارضی، که در آن دولت فعالانه به حمایت یا بازسازی یک جامعه کشاورزی برخاسته است. در این نوع رژیم کشاورزی خرد و روابط خویشاوندی بسیاری را در برابر فقر شدید محافظت می‌کند. نوع دوم رژیم شرکتی است، که در آن برخورداری از امکانات رفاهی رسمی در گرو اشتغال رسمی و در نتیجه بیمه‌های اجتماعی یا خصوصی مرتبط با اشتغال است. نوع سوم، رژیم بازتوزیعی است، که در آن دولت از طریق پرداخت‌های نقدی (کمک‌های اجتماعی) به مقابله با فقر دست می‌زند.



این سه نوع رژیم در اوایل تا اواسط قرن بیستم ظهور کردند. بیشتر رژیم‌های شرکتی به اوایل قرن بیستم برمی‌گردند، زمانی که کارگران در مشاغل رسمی به مطالبه بیمه اجتماعی و تضمین آن در برابر خطرات بیکاری، از کارافتادگی و تدارک بازنشستگی آغاز کردند. از آنجا که ذینفعان این نوع رژیم، کارگران بخش رسمی با درآمد نسبتاً بالاتر از درآمد میانگین بودند و هزینه‌های بیمه اجتماعی می‌توانست از طریق پارانه‌های مالیاتی یا افزایش قیمت‌ها (حداقل در اقتصادهای بسته) به فقرا منتقل شود، رژیم‌های شرکتی کلاً رژیم‌هایی به شدت نابرابر بودند و در آنها بازتوزیع ثروت از تهیدستان به جانب فرادست ترها صورت می‌یافت. در اواسط قرن گذشته بود که بسیاری از دولتها در مواجهه با چالش‌های فقر به سمت رژیم کشاورزی یا ارضی حرکت کردند یا در موارد معدودی رژیم بازتوزیعی یا کمک‌های اجتماعی را پیاده کردند. اصلاحات ارضی و سایر سیاست‌های حامی کشاورزان، زیربنای رژیم‌های ارضی در بیشتر مناطق آسیا و آفریقا بود. رژیم بازتوزیعی محدود به آفریقای جنوبی، بخش‌هایی از کارائیب بریتانیا و موریس بود.

این رژیم‌های رفاهی جنوبی تقریباً به اندازه هم‌تایان شمالی خود به حفظ اشتغال کامل – یا کمابیش کامل – وابسته بودند. انواع مختلف رژیم‌های رفاهی در شمال سیاست‌های مناسبی را برای بازار کار و مهار بیکاری می‌طلبیدند. در جنوب، کارآمدی رژیم‌های ارضی به ظرفیت اقتصاد کشاورزی برای جذب نیروی کار بستگی داشت، در حالی که کارآمدی رژیم‌های شرکتی وابسته به اشتغال بخش رسمی بزرگ و رو به رشد در شهرها بود. هر دو نوع رژیم با پروژه‌های مشخصی برای توسعه مرتبط بودند و طبعاً از این طریق به موفقیت برنامه برای "توسعه" اکیداً بستگی داشتند. حتی فرض رژیم‌های بازتوزیعی نیز بر وجود اشتغال کامل بود: کمک‌های اجتماعی به بزرگسالانی که به دلیل از کارافتادگی یا توان ضعیف قادر به کار نبودند، یا خیلی مسن بودند، و نیز به بزرگسالان تهیدست دارای فرزند تعلق می‌گرفت. بزرگسالان بیکار و سالم در آفریقای جنوبی از این کمک‌ها برخوردار نمی‌شدند. این وضع تا حدودی منعکس‌کننده این واقعیت بود که در زمان طراحی رژیم‌های رفاهی بازتوزیعی، در اواسط قرن بیستم، نرخ بیکاری پایین بود. در عوض، نخبگان و برنامه‌ریزان نگران کمبود نیروی کار بودند. به همین دلیل، بعدها افزایش بیکاری چالش‌های بزرگی را برای همه رژیم‌های رفاهی گفته شده به بار آورد.

در اواخر قرن بیستم، بسیاری از جوامع زراعی یک روند "کشاورزی زدائی" آشکار، بی‌زمینی در مناطق روستایی و بیکاری در مناطق شهری و همچنین روستایی را تجربه کردند. مقابله با فقر در این جوامع، دیگر از طریق "توسعه" کشاورزی دهقانی یا بخش رسمی "مدرن" ممکن نبود. در بلندمدت، برای گسترش اشتغال به وضوح به رشد اقتصادی پایدار نیاز است و از این طریق است که امکان فراهم می‌آید تا اکثریت اهالی بتوانند با پرداخت سهمیه به صندوق‌های بیمه، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند، به گونه‌ای که خطر بیماری و بیکاری مرتفع و تأمین بازنشستگی میسر گردد، در عین حالی که آن صندوق‌ها هم سر پا بمانند. اما، در کوتاه مدت و شاید همچنین در میانمدت، دولتها به برنامه‌های دیگری برای کاهش فقر نیاز دارند تا تهیدستانی را پوشش دهند که هرگز یا به اندازه کافی در مشاغل رسمی کار نکرده‌اند و در نتیجه زیر پوشش طرح‌های رفاهی مشارکتی قرار نگرفته‌اند. در این حالت، دولتها با یک انتخاب اساسی بین ایجاد اشتغال، در درجه اول از طریق برنامه‌های تضمین اشتغال، یا گسترش کمک‌های اجتماعی برای پوشش تهیدستان بیکار، یعنی انتخاب بین "کار" یا "معیشت" روبرو اند.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی‌عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



بر باد دادن سرمایه های بین النسلی زیر عنوان مولد سازی!

صادق



انتشار خبر تصمیم دولت رئیسی برای فروش اموال عمومی تحت اختیار دولت زیر لوای "مولد سازی ثروت های راکد" و سپردن انجام آن به (شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوا) با واکنشهای مختلف غالباً منفی روبرو شده است.

گروهی که اموال دولتی را ثروتهای بین نسلی و متعلق به نسلهای آینده هم می دانند از اساس با فروش آنها مخالفند. برخی دیگر همچون روسای اتاق های بازرگانی در عین حمایت از تصمیم نسبت به نحوه فروش و ابهاماتی که از نظر آنها در آیین نامه هست انتقاد دارند و خواهان رفع اشکالات آن با مشارکت اتاق های بازرگانی هستند.

صاحبان سرمایه های رانتی که در واقع آن را بیش از سایرین به نفع خود می بینند از "مولد سازی" حمایت می کنند.

عدهای نیز نظر به فساد حاکم بر دستگاه دولتی و حکومت نگران غارت این دارایی ها زیر پوشش مولد سازی هستند و آن را نوع دیگری از خودمان سازی جریان حاکم تعبیر می کنند، علیه آن هستند.

عده دیگری نیز مانند "علی مطهری" آن را خلاف قانون اساسی و خود شورای اقتصادی مسئول این کار را که اختیارات تام و تمام به آن داده شده غیر قانونی خوانده اند.

با این حال تصمیم به فروش اموال به تأیید خامنه‌ای رسیده و به نظر می رسد مخالفتها راه به جایی نبرد. وکل طرح بدون کم و کاست چنان که باب میل خلیفه است به اجرا گذاشته شود.

البته واگذاری و فروش اموال عمومی یا در واقع همان خصوصی سازی و خصولتی سازی پر فساد از سالها پیش شروع شده است و بخش بزرگی از دارایی های مردم در پشت درهای بسته و بدون اطلاع رسانی کافی و شفاف به خانواده های و نهادهای وابسته به حکومت با نازلترین قیمت واگذار شده است.

بنا به گفته حمید رضا فولادگر رئیس شورای راهبردی بهبود محیط کسب و کار تنها از سال ۹۶ تا کنون ۱۱ هزار میلیارد تومان تحت همین عنوان "مولدسازی" صورت گرفته است که ۷.۲ هزار میلیارد آن در سال جاری بوده است.



با اطمینان می شود گفت حتی یک مورد از موسسات واگذار شده را نمی توان یافت که به اشخاص غیر وابسته به حکومت واگذار شده باشد. پول هایی هم که از این بابت به دست آمده تماما خرج کسری بودجه جاری دولت شده است.

افشای بخش هایی از فساد های انجام شده در هنگام واگذاری ها در اثر رقابتهای جناحی به روشنی ماهیت غارتگرانه اموال عمومی را که زیر عنوان خصوصی سازی ها تا کنون انجام گرفته بر ملا کرده است.

حالا اما حکومت یکدست تصمیم گرفته است باقی مانده اموال را به این بهانه که گویا راکد هستند بدون اینکه اطلاعات لازم را در اختیار مردم بگذارد به فروش برساند. هیچکس هنوز به درستی نمی داند چه تعداد از اموال قرار است به چه اشخاص حقیقی و حقوقی و با چه شرایطی فروخته شود ولی محرمانه کردن قضیه و مشارکت سران سه قوه و شخص خامنه ای در این تصمیم گیری از گسترده بودن فروش اموال حکایت می کند.

فساد در خصوصی سازی ها از یک سو و رفتار برده دارانه صاحبان نوکیسه و دلال صفت واحدهای واگذار شده با حقوق کارگران مخالفت و مبارزه با خصوصی سازی را به یکی از مطالبات عمده کارگران تبدیل کرد. در اوج این اعتراضات بود که رئیسی و کسانی که در تدارک یکدست کردن حکومت بودند تلاش کردند بر موج اعتراضات سوار شوند و با تظاهر به حمایت از کارگران خود را مخالف خصوصی سازی های انجام شده جا بزنند بلکه پایگاهی ولو موقت برای خود بوجود آورند تا آسانتر بر رقیب حکومتی خود فائق آیند.

این تاکتیک را ما در هنگام اعتصابات پیاپی کارگران هفت تپه علیه خصوصی سازی و فساد، کارگران ماشین سازی ها در اراک و تبریز و مخابرات شیراز... دیدیم.

اما به محض استقرار حاکمیت یکدست همه آن وعده ها به سرعت برق و باد به فراموشی سپرده شد. ابعاد خصوصی سازی ها بیشتر و سری تر شد با این تفاوت که از آن به بعد واحدها و موسسات دولتی به وفاداران دولت یکدست واگذار شد و صدای کسی هم در نیامد.

جای سازمان خصوصی سازی را که آن هم در پنهان کاری دست کمی از هئیت ۷ نفره اقتصادی حکومت نداشت، با اختیاراتی به مراتب وسیعتر سپرده شد.

مولد سازی در واقع چیزی غیر از خصوصی سازی و خصولتی سازی در ابعادی بزرگتر و غارتگرانه تر و ویرانگر کردن بیشتر بنیه اقتصادی کشور و افزایش فقر و فلاکت و بی قانونی نیست.

رژیم سعی دارد با هزینه کردن از بنیه اقتصادی کشور که حاصل تلاش نسلهای زیادی است خود را سر پا نگه دارد و در صورت سقوط امکانات مادی برای بازسازی کشور را از بین ببرد. از همین رو باید تلاش کرد با استفاده از همه امکانات مانع اجرای این طرح ضد ملی شد.

آن کسانی که از نعمت "مولد سازی" سود خواهند برد مسلم بدانیم که همگی بدون استثنا از اشخاص و نهادهای وابسته به قدرت خاصه آنهایی هستند که در جنایات و سرکوبها نقش بیشتری داشته و خواهند داشت. درآمد های آن نیز خرج کسری بودجه و سرکوب جنبش انقلابی خواهد شد و بر خلاف بعضی توجیهات ریالی از آن صرف بازسازی زیر ساختهای فرسود نخواهد شد و در واقع دارایی های کشور را می فروشند تا خرج ویرانی بیشتر آن و فقیر تر کردن مردم کنند.

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم! کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

تاکید هشیارانه بازنشستگان مخابرات بر مبارزه خیابانی

صادق



مادامی که زحمتکششان با یک رژیم یکدست ارتجاعی و عدالت ستیز و سرکوبگر مواجه اند نمی توانند بدون سازماندهی و برگزاری اعتراضات گسترده همزمان و سراسری از حق و حقوق خود دفاع کند

پس پیش بسوی سازماندهی اعتراضات سراسری گسترده برای خواسته های مشترک همچون، افزایش حقوق، اجرای همسان سازی، بیمه درمانی رایگان

بازنشستگان وزارت ارتباطات با انتشار یک آگهی خبر از برگزاری تجمعات اعتراضی سراسری در ۱۷ بهمن . داده اند و از همکاران خود خواسته اند که در ساعت ۱۰ صبح در مقابل وزارت ارتباطات در تهران و شعب آن در سایر شهرها تجمع و رسیدگی به حق و حقوق قانونی شان را طلب نمایند



در دعوتنامه بازنشستگان بر پیگیری مطالبات در خیابان تاکید شده و به درستی گفته شده: "راه رسیدن به هدف فقط و فقط کف خیابان است"

همسان سازی بدون تنازل و افزایش حقوق مهمترین مطالبات کارگران مخابرات است. روی آوردن به خیابان و مبارزه خیابانی پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات و چانه زنی های بعنوان موثرترین وسیله کسب حقوق برگزیده شده.

در شرایطی که کارکنان مخابرات مانند سایر کارگران و مزدبگیران کشور از حق تشکل محروم شده اند و تشکلهای حکومتی نیز در خدمت رژیم قرار دارند و به طبع آن قادر و مایل به پیگیری مطالبات کارگران نیستند، راه کسب مطالبات اعتصاب و تظاهرات خیابانی است. بازنشستگان چون بواسطه بازنشستگی نمی توانند اعتصاب نمایند، با توسل به اعتراض خیابانی خواسته های شان را پیگیری کنند.

در سال گذشته گروه های بازنشستگی مختلف با سازماندهی خود و برگزاری اعتراضات خیابانی توانستند به بخشی از حقوق خود برسند.

اجرای همسان سازی نصفه و نیمه و افزایش حقوق بازنشستگی در سال گذشته نتیجه اعتراضات بازنشستگان تابع سازمان تامین اجتماعی بود. بازنشستگان دولتی نیز پس از اعلام افزایش ۱۰ درصدی به حقوق شان در سال گذشته با برگزاری اعتراضات خیابانی جداگانه و مشترک با کارکنان شاغل در بخش دولتی توانستند حقوق های خود را ۳۰ درصد افزایش دهند.

کارگران شاغل در سازمانهای دولتی با برگزاری اعتراض خیابانی دولت را مجبور کردند دستمزدهای شان را بجای ۱۰ درصد ۵۷ درصد افزایش دهد.

این افزایشها البته به سرعت در اثر گرانی و تورم و سقوط ۷۵ درصدی ارزش ریال از بین رفت با این همه اگر گستردگی اعتراضات خیابانی و وجود دهها تشکل جدید التاسیسی مستقل بازنشستگی نبود به دست نمی آمد و وضعیت معیشتی بازنشستگان به مراتب بدتر می بود.

امسال نیز با توجه به اینکه دولت قصد ندارد همسان سازی را بطور کامل اجرا و میزان افزایش حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته را مایل نیست بیشتر از ۲۰ درصد اضافه کند، لاجرم اعتراضات گسترده تر و رادیکالتری را باید انتظار داشت. اگر گروه های بیشتری از بازنشستگان تحت پوشش تامین اجتماعی و صندوق کشوری و سایر صندوق ها بتوانند با کمک تشکلهای مستقل بازنشستگی تظاهرات هماهنگی را سازمان بدهند قطعاً خواهند توانست زودتر و بهتر به خواسته هایشان برسند. مادامی که زحمتکشان با یک رژیم یکدست ارتجاعی و عدالت ستیز و سرکوبگر مواجه اند نمی توانند بدون سازماندهی و برگزاری اعتراضات گسترده همزمان و سراسری از حق و حقوق خود دفاع کنند.

پس پیش بسوی سازماندهی اعتراضات سراسری گسترده برای خواسته های مشترک همچون، افزایش حقوق، اجرای همسان سازی، بیمه درمانی رایگان



۸ فوریه؛ روز بسیج فراملی در حمایت از مردم ایران

جمعه، ۳ فوریه ۲۰۲۳ - 09:42



در ایران با چند برابر شدن احکام اعدام، سرکوب یک گام دیگر به جلو برداشته است.

از زمان مرگ ژینا مهسا امینی، امواج خشم دانشجویان، زنان (که اینک بدون حجاب در ملا عام ظاهر می شوند)، مزدبگیران و... که از حمایت اکثریت قریب به اتفاق مردم برخوردارند، کل کشور را فراگرفته است.

سرکوب تظاهرکنندگان توأم با خون ریزی است. در ایران خواست تشکیل اتحادیه های کارگری، تظاهرات، اعتصاب و یا ابراز عقاید و باورهای که موجب نارضایتی حکومت باشد، جرم و جنایت تلقی می شوند و حکومت آن ها را با اعمال همه جانبه ضرب و شتم، شکنجه، حبس های بسیار سنگین و اعدام های خودسرانه، مجازات می کند. این روش های سرکوبگرانه غیرقابل قبول اند.

هدف حکومت از تشدید سرکوب ایجاد جو رعب و وحشت به منظور ترساندن همه زنان و مردانی است که برای خواسته های عادلانه مبارزه می کنند. اما سرکوب ها عزم راسخ مردم ایران را تضعیف نمی کند، آنان تا سقوط رژیم به مبارزات خود ادامه می دهند و در عین حال مخالفت خود از بازگشت احتمالی سلطنت را هم ابراز می دارند.

در کشورهای مختلف (از جمله بریتانیا، دانمارک، نروژ، سوئد، کانادا...)، جنبش های حمایتی شکل گرفته اند. کلکتیوها و اتحادیه های کارگری به طور منظم کارزارها و اقدامات حمایتی از جمله تظاهرات را سازماندهی می کنند.

در مواجهه با تشدید سرکوب، اتحادیه های کارگری، کلکتیوها و دیگر جنبش ها در کشورهای مذکور تصمیم گرفته اند به منظور یک کارزار فراملی، مشترکاً برای روز چهارشنبه ۸ فوریه فراخوان دهند.

بدین منظور در فرانسه هم کلکتیو سندیکایی ایران همه را برای یک تجمع اعتراضی در برابر سفارت ایران در پاریس فرا می خواند:

place Iéna, Paris 16^{ème} (métro Iéna)

mercredi 8 février à 18h

در حمایت از مبارزات زنان و مردان ایرانی، کلکتیو سندیکایی هم چنین قصد دارد در این روز سفارت ایران را به ویژه در مورد سرنوشت سندیکالیست های زندانی مورد خطاب قرار دهد.



کلکتیو سندیکایی فرانسوی پا به پای زنان و مردان ایرانی تلاش می کند تا آرمان‌های بر حق آنان برای آزادی و دموکراسی به واقعیت تبدیل شود.

پاریس، ۱ فوریه ۲۰۲۳

(س اف د ت) کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار

(س ژ ت) کنفدراسیون عمومی کار

(فرهنگیان - اف اس او) فدراسیون سندیکائی متحد

(سولیدر) اتحادیه سندیکائی برای همبستگی

(اونسا) اتحادیه ملی سندیکاهای امستقل



احضار فرزانه زیلابی وکیل پیشین کارگران نیشکرهفت تپه، فردا چهارشنبه مورخ ۱۹/بهمن/۱۴۰۱

فرزانه زیلابی وکیل دادگستری عضو کانون وکلای دادگستری از سوی شعبه سیزده دادرای انقلاب اهواز احضار شد اتهام های این وکیل دادگستری، توهین به مقام رهبری_نشر اکاذیب در فضای مجازی جهت تشویش اذهان عمومی_فعالیت تبلیغی علیه نظام_اجتماع و تبانی علیه امنیت -عضویت در گروه های معاند است.

فرزانه زیلابی پیشتر وکالت کارگران هفت تپه و برخی فعالان ملی مذهبی خوزستان را به عهده داشت. هم اکنون وکالت برخی معترضان در جنبش زن زندگی آزادی، وکالت پرونده بازنشستگان تأمین اجتماعی خوزستان، برخی خبرنگاران خوزستانی و از جمله دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان پیروز نامی را به عهده دارد

بهمن/۱۴۰/سه شنبه ۱۸

کانال سندیکای هفت تپه



استان خوزستان - تجمع اعتراضی امروز بازنشستگان مخابرات در مقابل ساختمان مرکزی مخابرات با شعارهای

«سفره ما خالیه وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»

«اجرای آیین نامه حق مسلم ماست»



عمیق ترین همدردی و تسلیت ما برای زلزله ویرانگر در ترکیه و سوریه
سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تسلیت صمیمانه و همدردی عمیق خود را با قربانیان
این فاجعه و مردم آسیب دیده در ترکیه و سوریه و نیز با همکارانمان در اتحادیه کارگران حمل و نقل ترکیه و دیگر
کارگران و تشکلات کارگری و مردمی در ترکیه و سوریه اعلام میکند



تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد آریا
به گزارش خبرنگار ایلنا، از قرار معلوم کارگران شاغل در کارخانه فولاد آریا در شهرستان اردستان در استان
اصفهان برای دریافت حقوق با مشکل مواجه هستند. این کارگران روز گذشته (۱۷ بهمن ماه) در محوطه محل
کار خود تجمع صنفی برپا کرده بودند.



دیدار جمعی از فعالین صنفی معلمان، بازنشستگان، فعالین صنفی کارگری با آقای کیوان صمیمی
در این دیدار فعالین صنفی و مدنی به همراه آقای مهندس کیوان صمیمی، حمایت و همبستگی قاطع خود را با
آقای دکتر
فرهاد میثمی اعلام کردند و خواستار آزادی فوری ایشان و سایر زندانیان سیاسی شدند

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید
در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>